

پیانوی خودنواز

نویسنده: کورت ونه گات

مترجم: زهرا طراوتی

زیر نظر: علی شیععه علی

سبزان

ISBN 978-900-117-033-9 9 789000 1170339

مقدمه

کورت ونه‌گات استاد مسلم ادبیات نوی آمریکا پیانوی خودنواز را یکی از ۵ اثر برتر خود معرفی می‌کند و اما بسیاری از منتقدان ادبی این اثر را برترین اثر او می‌دانند و برخی نیز با بی‌سلیقگی تمام آن را یک رمان «علمی-تخیلی» توصیف می‌کنند. ونه‌گات هیچ‌گاه آثارش را در گونه علمی-تخیلی جای نمی‌داد و تنها معتقد بود که در آنها گاهی از پدیده‌های ماوراء طبیعی و یا فانتزی سخن به میان می‌آید و اما اصل ماجرا بر سر تباهی انسان در گذشته (گهواره گربه، شب مادر، سلاخ‌خانه شماره پنج و...)، حال (محبوس، خدا خیرت بدهد آقای رزواتر، اسلپ استیک و...) و یا آینده (گالاپاگوس و...) است. اصل ماجرا زیاده‌خواهی دولت‌مردان آمریکایی است. اصل ماجرا غلبه مادیات بر اخلاقیات است و... برای بیان این موضوع تمرکز داستان بر روی یک یا چند شخصیت محوری قرار می‌گیرد. قهرمان داستان‌های ونه‌گات معمولاً انسانی سرخورده از تمدن و دولت آمریکاست که گاه مثل «ویلیام اگاستارباک» رمان محبوس از کاخ سفید به کف خیابان‌های نیویورک پرتاب می‌شود و به قول ونه‌گات می‌شود دستیار دست‌به‌سینه یک زن آواره کیسه‌به‌دست، گاه می‌شود «هوارد دبلو کمبل» رمان شب مادر که از اوج به خفت زندان می‌افتد و دست آخر هم که دار انتظارش را می‌کشد، گاهی ناخدای رمان گالاپاگوس می‌شود

که جایی در جزیره‌ای دورافتاده در یک میلیون سال آینده گرفتار می‌شود و گاهی هم می‌شود «پل پروتز» همین رمان بیانوی خودنواز که از هر چه ماشین است بیزار می‌شود و مزرعه‌ای دورافتاده و متروکه را برای زندگی انتخاب می‌کند. اما سرنوشت پروتز شاید از بسیاری از قهرمان‌های ونه‌گات جالب‌تر و متفاوت‌تر باشد. او را این بار به حال خود رها نمی‌کنند. انگار تمدن پوسیده و دولت فسادیافته آمریکا دست از سرش برنمی‌دارد و وی را وارد بازی جدیدی می‌کند که پایانی دردآور دارد.

رمان بیانوی خودنواز داستان غلبه ماشین‌ها بر انسان‌ها در آینده‌ای نه چندان دور است. ماشین‌ها کار انسان‌ها را می‌دزدند و انسان‌های بیکار و اخورده گوشه‌نشین می‌شوند. این مضمون ظاهراً کلیشه‌ای و تکراری وقتی موضوع اثر ونه‌گات قرار می‌گیرد شکلی بسیار متفاوت می‌یابد و شاید به حاشیه می‌رود. ونه‌گات باز هم قرار است همان حرف‌های تازه و بکرش را بزند که همان مرگ ارزش‌هاست. مرگ ارزش‌ها در آمریکایی نه چندان دور. از این جهت بیانوی خودنواز قرابت موضوعی فراوانی با شاه‌کار دیگر نویسنده توانای آمریکایی، «ری بردبری»، یعنی رمان «فازنه‌ایت ۴۵۱» دارد. در آن اثر هم ارزش‌ها زیر خوراکها ماشین و دستگاه و اتوماسیون مدفون شده است. آن‌جا هم آمریکایی در آینده رخ می‌نماید که دیگر نه تنها ارزش‌ها و اخلاقیات مرده است که حتی دولت از مردم می‌خواهد دیگر احساس هم نداشته باشند و اصلاً خودشان هم بشوند مثل ماشین‌ها. و این ماجرای بیانوی خودنواز است. انگار بیانوی خودنواز مقدمه‌ای بر فازنه‌ایت ۴۵۱ است. انگار نقطه شروع همین ماشینیزه شدن زندگی آمریکایی است. این رمان فصلی بسیار خواندنی دارد که به شرح پرده‌برداری از ماشین جدیدی به نام «اپیکاک» می‌پردازد. ماشینی محاسبه‌گر که همه چیز را می‌داند. تفکر می‌کند و مشکل‌ترین مسائل را حل می‌کند. جالب است که از آینده هم خبر می‌دهد و اسرار پنهان اشخاص را هم فاش می‌کند. در این فصل خواندنی رئیس جمهور آمریکا برای افتتاح آن می‌آید و در طی چندین گفت‌وگو متوجه می‌شویم که فردی در رأس دولت این کشور وجود دارد که انگار تفکر را چیزی بیهوده و بی‌فایده می‌داند!

جالب است که سازنده اصلی اپیکاک همین پل پروتز است و اما بعد طی اتفاقاتی خود مخرب اصلی اپیکاک و سایر ماشین‌ها می‌شود. در مورد ترجمه نیز باید گفت که خانم طراوتی زمانی در حدود یک سال و نیم را صرف ترجمه این اثر نموده‌اند و تلاش فراوانی داشته‌اند تا اثری قابل قبول ارائه کنند. امید که مقبول افتد.

علی شیعه‌علی